



بررسی ابعاد بهبود مهارت خواندن و نوشتن دانش آموزان ابتدایی

سید احمد هاشمی^۱، طاهره همتی^۲، راضیه کشاورز^۳، عبدالله سدهی^۴، غلامرضا بدیعی^۵

^۱ دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، ایران ، Hmd_hashemi@yahoo.com

^۲ دانشجوی کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، ایران ، Anahita.as0372@gmail.com

^۳ دانشجوی کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، ایران ، Keshavarz.r1396@yahoo.com

^۴ دانشجوی کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، ایران ، Abdollasedehi@yahoo.com

^۵ دانشجوی کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، ایران ، Badiei837@gmail.com

چکیده

خواندن فرایندی بیش از روخوانی علائم از روی یک صفحه کاغذ است. تلاشی است برای یافتن معنی که به درگیری فعال خواننده نیاز دارد. خط نیز مربوط به جنبه‌ی نوشتاری زبان است، معمولاً خط را مهم‌تر از زبان گفتاری می‌دانند. زیرا از طرفی نوشتار سنجیده‌تر از گفتار است و از طرف دیگر همیشه می‌توان آن را بازبینی کرد، ولی گفتار را نمی‌توان بدین گونه به کار برد. این تحقیق با رویکردی توصیفی - تحلیلی به بررسی ابعاد بهبود مهارت و خواندن فراگیران پرداخته است. نتایج تحقیق نشان داد که از جمله مسائل مهم رد رشد خواندن و نوشتن فراگیران، سواد والدین، تلاش فراگیران در خواندن متون درسی و غیر درسی، تناسب محتوای دروس با رشد شناختی دانش‌آموزان می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: خواندن، نوشتن، دانش‌آموزان، مهارت زبان آموزی.

مقدمه

پیشرفت سواد خواندن و نوشتن دانش‌آموزان از وظایف اصلی نظامهای آموزشی و از وظایف اصلی نظامهای آموزشی کشورهاست و ارتقای این مهارت باید یکی از نتایج و پیامدهای قطعی هر نظام آموزشی باشد. مهارت خواندن و نوشتن مقوله‌ای است که نظامهای آموزشی و معلمان درگیر آن هستند. در این مقوله معلمان خصوصاً در سالهای اول ابتدایی با مشکلاتی روبرو هستند. وجود مشکلاتی، مانند دو زبانه بودن دانش‌آموزان، نبودن امکانات، بی‌تجربه بودن معلمان در زمینه مهارت خواندن و نوشتن وجود دارد. وجود این مشکلات در نظامهای آموزشی ما باعث شد که فکر تحقیق در این زمینه در ذهن من شکل گیرد و مسائل پیش روی آن بحث و تبادل نظر با معلمان قرار گیرد تا فاف روشنی در حیطه‌ی بهبود مهارت خواندن و نوشتن برای معلمان در محیط آموزشی مدارس به کار گرفته شود [۱].

خواندن فرایندی پیچیده است که به معنی بازیافت اطلاعات از یک متن است و به کلمات ثبت شده روی کاغذ محدود نیست. خواندن با معیارهای تعلیم و تربیت ارتباط کامل دارد و یکی از کنشهای آن، داشتن جامعه‌ای باسواد است. به طور خلاصه هدف اصلی مدرسه باید تربیت افرادی منطقی، بلند نظر و منتقد باشد. کمتر مقوله‌ای در آموزش و پرورش مانند خواندن امید و تصورات مردم را بر می‌انگیزد. این در حالی است که هر از گاهی، روزنامه و

مجلات بحران خواندن را که به پایین‌ترین سطح خود رسیده است را مورد بحث قرار می‌دهند و می‌نویسند، کودکان در رقابت با ملل دیگر مانده اند، توان گذشته را ندارند [۳].

از نظر قدرت خواندن و درک مطلب همچون پدران و مادرانشان نیستند و دوران افق‌های روشن و طلای خواندن رو به افول است. ماهیت این نظریات ضد و نقیض بودن آنها مسأله‌ی پیچیده‌تر و همچنین ریشه دارتری را درباره‌ی خواندن و ماهیت و نقش آن را مطرح می‌نماید. از یک طرف خواندن را یک مهارت اصلی و یک فعالیت کنشی می‌دانیم که باید در سنین پایین کسب شود و برای شکوفایی فرهنگ و آموزش و پرورش و جامعه لازم است. از طرف دیگر خواندن را در ارتباط نزدیک با کتاب، ادبیات، میراث ادبی و متون اصیل می‌بینیم که در آن موضوع محتوا و شیوه‌ی خواندن مد نظر است. ولی هیچ کدام از این دو به تنهایی کافی نیستند و هر جنبه خواندن را باید در کنار یا به دنبال دیگری و در مراحل مختلف آموزش «خواندن» مورد توجه قرار داد. برای همه روشن است که تمام کودکان باید برای رفع نیازهای جامعه‌ی خود باسواد و آماده باشند و این آمادگی باید به صورتی مفید در سنین پایین فراهم آید. ضمناً باید تجربه کردن و دسترسی داشتن به امکانات و کمکهای لازم تأکید شود تا بتوانند در این زمینه افرادی منتقد و مفید باشند. این تحقیق به دنبال بررسی ابعاد مهارت خواندن و نوشتن می‌باشد.

پیشینه تحقیق

اکبری در تحقیقی در مورد خواندن و نوشتن مواردی مانند سواد والدین و همچنین تغییر محتوای کتابهای فارسی در ابتدایی را مورد بررسی قرار داده بود و نتایجی که به دست آورده است نشان می‌دهد که تغییر محتوای کتابهای فارسی و همچنین عدم تغییر چگونگی تدریس معلمان ابتدایی با توجه به محتوا تأثیر زیادی در گفتار و نوشتار دانش‌آموزان دارد، ولی بیشترین تأثیر را می‌توان در وضعیت شناختی فراگیران جستجو کرد [۲].

در تحقیقی که حسینی در زمینه روان خوانی دانش‌آموزان انجام داده است به این نتیجه رسیده است که بیشترین تأثیر در افت روان خوانی دانش‌آموزان محتوای کتابهای فارسی و نیز آشنا نبودن معلمان با روشهای کار بر روی روان خوانی و نوشتن دانش‌آموزان می‌باشد [۵].